

خسارت تأخیر تأدیة دین ناشی از مسئولیت مدنی

علی عزیزی*، ابراهیم دلشاد معارف**، سید مهدی میرداداشی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۰۲)

چکیده

در این مقاله پی به این موضوع بردیم، دیونی که از مسئولیت مدنی ناشی می‌شوند نیز مشمول ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م هستند و در نتیجه خسارت تأخیر تأدیة شامل این دیون نیز می‌شود. در این میان با دو سوال اساسی مواجه بودیم و در صدد آن بر آمدیم که پاسخ‌هایی اقناع‌کننده به این عناوین داده باشیم؛ برخی معتقدند که خسارت تأخیر تأدیة به دیون ناشی از مسئولیت مدنی نیز تعلق می‌گیرد چرا که دین، دین است و تمایزی از این حیث نیست و با توجه به اصل جبران کامل خسارات زیان‌دیده در مسئولیت مدنی، خسارت تأخیر تأدیة دین ناشی از مسئولیت مدنی قابل مطالبه است. و گروهی دیگر مطالبه این زیان را ناروا می‌دانند. در میانه این دو دیدگاه، می‌توان بر این باور بود که به دیون ناشی از مسئولیت مدنی نیز خسارت تأخیر تأدیة تعلق می‌گیرد، با این حال، مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیة، نه از تاریخ وقوع زیان که از تاریخ صدور حکم دادگاهی است که شرایط تحقق مسئولیت مدنی را احراز کرده است.

کلیدواژگان

خسارت تأخیر تأدیة، دین ناشی از ضمان قهری، زیان دیرکرد، مسئولیت مدنی.

* مسئول مکاتبات: کارشناس ارشد حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: AliAzizi_1372@yahoo.com

** نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: ebrahimdelshad@yahoo.com

*** استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه می‌باشد.

طرح مساله

اصطلاح مسئولیت مدنی در زبان حقوقی کنونی نمایانگر مجموع قواعدی که واردکننده ی زیان رابه جبران خسارت زیان دیده ملزم می سازد از دیدگاه دیگر در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. در مسئولیت مدنی یک مفهوم عام وجود دارد و یک مفهوم خاص؛ مفهوم عام، مسئولیت قراردادی و مسئولیت قانونی را دربرمی گیرد اما در مفهوم خاص فقط قانونی (غیرقراردادی) را در برمی گیرد.

در مسئولیت مدنی به مسئولیت ناشی از نقض تعهدقانونی منجر به ضرر پرداخته می شود و شروع ماموریت مسئولیت مدنی از اضرار و ورود ضرر است. در مسئولیت مدنی همواره با دو سوال اساسی مواجه هستیم اول اینکه مسئول کیست؟ و دوم اینکه چگونه باید جبران خسارت کرد؟ ضرورت جبران کامل خسارت از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در مسئولیت مدنی انرژی معطوف به این مورد است که خسارت وارده به زیان دیده جبران شود فی الواقع مهم ترین هدف مسئولیت مدنی جبران کامل زیان دیده است به عبارت دیگر اعاده ی وضع زیان دیده به حال سابق هدف آرمانی در مسئولیت مدنی است که مواردی از آن را می توان در مواد ۳۱۱ و ۳۲۹ ق.م مشاهده کرد؛ به طور مثال قانونگذار در ماده ی ۳۱۱ مقرر می دارد: غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید..... این جبران عینی دقیقاً آن اصل کامل جبران خسارت را محقق می کند. با تحقق ارکان مسئولیت مدنی که عبارتند از: ورود ضرر- فعل زیانبار- رابطه ی سببیت بین ضرر و فعل زیانبار، عامل زیان بدهکار و زیان دیده طلبکار می شود و ممکن است در مواردی که پرداخت خسارت به صورت وجه نقد است عامل زیان در پرداخت خسارت تاخیر کند.

در اینکه آیا خسارت تاخیر تادیه قابل دریافت است یا خیر، دو نظر وجود دارد؛ عده ای آن را دانسته و نامشروع تلقی می کنند و عده ای در مقابل آن را شرعی دانسته و آن را محمول بر صحت تلقی کرده اند. در مورد امکان مطالبه ی خسارت تاخیر تادیه دین ناشی از مسئولیت مدنی نیز سه دیدگاه وجود دارد که گروه اول با استناد به اطلاق ماده ی ۵۲۲ ق.آ.د.م و نیز لزوم حمایت از زیان دیده آن را ممکن می دانند؛ گروه دوم مطالبه ی آن را ناروا دانسته و بالاخره گروه سوم

پرداخت خسارت را از تاریخ صدور حکم قطعی دادگاهی که شرایط تحقق مسئولیت مدنی را احراز کرده است می داند.

سوالاتی که در نوشتار پیش رو با آن مواجه و در صدد آن هستیم که در طول این نوشتار پاسخ‌هایی اقتاع کننده به این موارد بدهیم به این شرح است:

۱. وضعیت خسارت تأخیر تأدیة دین ناشی از مسئولیت مدنی چگونه است؟
۲. با فرض پذیرش خسارت تأخیر تأدیة دین ناشی از مسئولیت مدنی، مبدا محاسبه این خسارت از چه زمانی است؟

زندگی صنعتی و پرحادثه کنونی بشر آکنده از ضرر و مسئولیت مدنی است و نظر به این که در مسئولیت مدنی جبران کامل خسارت به عنوان یک اصل بنیادین پذیرفته شده و ممکن است از زمان وقوع حادثه و صدور حکم به الزام عامل زیان به جبران خسارت زمانی طولانی سپری گردد و نظر به این که ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی از صراحت لازم در شمول خسارت تأخیر تأدیة دین ناشی از مسئولیت مدنی برخوردار نیست، لذا جنبه نوآورانه پژوهش حاضر آن است که به طور خاص بررسی وضعیت خسارت تأخیر تأدیة دین را در مورد دین ناشی از مسئولیت مدنی موضوع خود قرار داده است.

مسئولیت مدنی و ارکان آن

در قانون مدنی، اصطلاح "مسئولیت مدنی" نیامده است. نویسندگان قانون، به پیروی از فقه، واژه ی ضمان را برای بیان این الزام حقوقی به کار برده اند. فصل دوم از باب دوم (الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می شود) به ضمان قهری اختصاص یافته است و شامل عناوین غصب و اتلاف و تسبیب و استیفاء می شود. ضمان قهری در برابر ضمان عقودی که ناظر به عقد ضمان است قرار می گیرد. ولی در حقوق کنونی، اصطلاح مسئولیت مدنی چنان زیانزد و شایع است که کمتر از ضمان قهری یاد می شود. (کاتوزیان، ۳۵، ۱۳۹۳)

در اصطلاح حقوقی، مسئولیت مدنی دارای دو معنی عام و خاص است؛ در معنی عام به هر گونه تعهدی که قانون بر عهده ی شخص قرار داده باشد تا زیان وارد شده به دیگری را جبران

کند، اعم از اینکه ریشه‌ی قراردادی داشته باشد یا نداشته باشد. اما مسئولیت مدنی به معنی خاص تنها مسئولیت غیرقراردادی را در بر می‌گیرد. در حقوق ایران بیشتر حقوقدانان در نوشته‌های خود معنی خاص مسئولیت مدنی را مدنظر قرار داده‌اند و به دلیل شیاع استعمال آن در این معنی، از اصطلاح مسئولیت مدنی معنی خاص آن به ذهن متبادر می‌شود. (بادینی، ۳۴، ۱۳۸۴) در این مقاله نیز مسئولیت مدنی در همین معنی (معنی خاص) مورد استعمال واقع شده است. بنابراین مسئولیت مدنی عبارت است از: التزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زیانی که در نتیجه‌ی عمل مستند به او به دیگری وارد شده است. (باریکلو، ۲۴، ۱۳۹۴)

مراد از ارکان مسئولیت مدنی این است که برای تحقق مسئولیت و برای اینکه شخص مسئول جبران خسارات وارده به دیگری قرار بگیرد سه رکن لازم است که باید علی‌الاصول از سوی زیان دیده، این ارکان اثبات شود و در واقع این باید برای دادگاه احراز شود تا حکم به مسئولیت بدهد. در صورت فقدان یکی از این سه عنصر، مسئولیت مدنی منتفی می‌شود. (ره‌پیک، ۴۲، ۱۳۸۷) تحقیقاً تمامی حقوقدانان و نویسندگان در این که برای تحقق ارکان مسئولیت مدنی سه رکن ضرر، فعل زیانبار و رابطه‌ی سببیت لازم است اجماع نظر دارند. مهم‌ترین رکن مسئولیت مدنی ورود ضرر است فلذا تا ضرری نباشد مسئولیت مدنی معنایی ندارد. موضوع مسئولیت مدنی، جبران ضرر ناروا است و تا زمانی که ضرری محقق نشود، موضوعی برای جبران وجود ندارد و در نتیجه، مسئولیت مدنی، منتفی به انتفاء موضوع است. عمده‌ی حقوقدانان ضرر را چنین تقسیم بندی کرده‌اند: ۱. ضرر مادی ۲. ضرر معنوی ۳. ضرر بدنی. دومین رکن از ارکان مسئولیت مدنی وجود فعل زیانبار است بدین معنی که عامل فعل زیانبار زمانی مسئول جبران خسارت وارده بر دیگری است که عمل به او استناد داشته باشد. سومین و آخرین رکن از ارکان مسئولیت مدنی احراز رابطه‌ی سببیت بین ضرر و فعل زیانبار است و یکی از دشوارترین کارهایی که در یک پرونده‌ی مسئولیت مدنی قاضی با آن مواجه می‌شود. احراز رابطه‌ی سببیت است بدین معنا که ثابت شود بین ضرر وارده که خواهان مدعی آن است و فعل زیانبار رابطه‌ی سببیت وجود دارد و این ضرر از آن فعل حاصل شده است. با توجه به ماده‌ی ۲ق.م.م در موردی که عمل وارد کننده

ی زیان موجب خسارت شود؛ یعنی فعل خواننده و عامل باید موجب خسارت شده باشد یعنی سه رکن مسئولیت مدنی را قانونگذار در این مواد بیان کرده است. اثبات این رکن با زیان دیده است و به دلیل اینکه عوامل مختلفی ذی مدخل هستند این کار، کار ساده و آسانی نیست. در این باب یک تعبیری مرحوم دکتر کاتوزیان دارند که تعبیر جالبی است که می فرمایند: "این کاوش، قاعده نمی پذیرد." (کاتوزیان، ۴۷۱، ۱۳۹۳)

خسارت تأخیر تأدیة

موضوع خسارت تأخیر تأدیة یکی از مباحث پر چالش و دامنه دار علی الخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در حال حاضر نیز اختلاف نظر وجود دارد و حتی در محاکم و در آراء قضایی نیز این اختلاف عقیده به وضوح قابل مشاهده است و به لحاظ پیدایی تحولات تقنینی اهمیتی مضاعف یافته است و به تبع آن موضع گیری هایی از سوی مراجع قانونی و نیز فقها صورت گرفته است. منشاء تمام نزاعات در ربوی بودن آن است که در این صورت از محرّمات منصوص است. ارزش اقتصادی پول پایدار و ثابت نیست برای همین پرداخت دیر هنگام بدهی سبب زیان طلبکار می شود؛ در همین راستا، خسارت تأخیر تأدیة پدید آمده است تا این زیان جبران شود.

در مفهوم خسارت تأخیر تأدیة برخی از حقوقدانان نوشته اند: "خسارتی است که از بابت دیر پرداخت وجه نقد از طرف مدیون باید به دائن داده شود" (لنگرودی، ۲۶۱، ۱۳۷۲) و در جایی دیگر می نویسد: "در مورد تأخیر در دادن بدهی نقدی به کار می رود." (لنگرودی، ۳۳۵، ۱۳۹۰) برخی دیگر گفته اند: "منظور از خسارت تأخیر تأدیة زبانی است که در اثر خودداری مدیون از ادای دین پولی خود به طلبکار در زمان مقرر به این شخص وارد می شود." (شهیدی، ۸۴، ۱۳۹۳) برخی دیگر نیز عنوان کرده اند: "خسارت تأخیر تأدیة مبلغی است که بابت تأخیر در پرداخت اقساط اصل و بهره ی وام و یا اعتبار، از تاریخ سررسید یا تاریخ حال شدن بدهی تا حداکثر شرح قانونی برای مدت تأخیر از گیرنده ی وام و یا اعتبار اخذ می شود." (ابراهیمی، ۲۴، ۱۳۷۲). به خسارت تأخیر تأدیة، خسارت تأخیر اداء، خسارت دیرکرد، زیان دیرکرد پرداخت نیز می گویند.

نکته ای که در اینجا ضرورت دارد بیان شود این است که اصطلاح "خسارت ناشی از عدم انجام تعهد" با اصطلاح "خسارت تاخیر تادیه" را نباید خلط کرد چرا که به تعبیر برخی از نویسندگان، خسارت تاخیر تادیه راجع به دعاوی است که موضوع آنها وجه نقد باشد لیکن خسارت حاصل از عدم انجام تعهد در مواردی است موضوع وجه نقد نیست و در دعاوی، به صورت مطابحه ی اجرت المثل و خسارت از جهت عدم تسلیم و یا تاخیر خواسته است؛ (متین دفتری، ۵۳، ۱۳۳۴) مضافاً بر اینکه اگر موضوع، پرداخت وجه نقد غیر رایج در کشور، مثل ارزهای بیگانه باشد عنوان خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را به کار می برند. (وحدتی شبیری، ۹۴، ۱۳۸۲)

خسارت تاخیر تادیه قبل و بعد از انقلاب

قبل از انقلاب اسلامی بر سر خسارت تاخیر تادیه نزاعی وجود نداشت و قوانینی نیز در این مورد وجود داشت؛ فی المثل قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) فصل سوم از باب دهم خود را به خسارت تاخیر تادیه مختص کرده بود. در این باره ماده ی ۷۱۲ قانون مذکور بیان می داشت: "مدعی حق دارد در ضمن دادخواست یا در اثناء دادرسی جبران خسارتی که به سبب دادرسی یا به جهت تاخیر اداء دین یا انجام تعهد و یا تسلیم خواسته به او وارد شده و یا خواهد شد از طرف دعوا بخواهد..." ماده ی ۷۱۹ قانون مارالذکر نیز بیان می داشت: "در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از اینکه راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد خسارت تاخیر تادیه معادل صدی دوازده (۱۲٪) محکوم به در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی بعنوان وجه التزام یا مال الصلح یا مال الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد در هیچ مورد بیش از صدی دوازده در سال نسبت به مدت تاخیر، حکم داده نخواهد شد لیکن اگر مقدار خسارت کمتر از صدی دوازده معین شده باشد به همان مبلغ که قرارداد شده است حکم داده می شود". رویه ی متخذه جهت جبران خسارت تاخیر تادیه دین، پیش بینی شده بود و در موادی از این قانون تردید ناپذیر، صریح و روشن بوده و در ماده ی ۷۲۵ این قانون ضمانت اجرای خاصی نیز در این خصوص پیش بینی گردیده بود. این ماده چنین اشعار می داشت:

"خسارت تأخیر تأدیه محتاج اثبات نیست و صرف تأخیر در پرداخت برای مطالبه و حکم کافی است."

ماده ی ۲۲۸ قانون مدنی نیز به موضوع خسارت تأخیر تأدیه اشاره و در این مورد مقرر می‌دارد: "در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد حاکم میتواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید." ماده ی ۲۲۱ ق.م نیز بیان می‌داشت: "اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد."

پس از انقلاب اسلامی به دلیل همسو کردن قوانین با شرع و فقه امامیه، از جمله مواردی که مخالف شرع دانسته شد موضوع خسارت تأخیر تأدیه بود و شورای نگهبان طی نامه های متعددی قوانین مربوط به گرفتن خسارت تأخیر تأدیه را مغایر شرع اعلام کرد به همین دلیل موضوع خسارت تأخیر تأدیه پس از انقلاب اسلامی با فراز و نشیب های فراوانی همراه بود؛ عمده دلیل مخالفت با آن نیز ربوی بودن آن بود؛ چنانکه در استفتائی که از حضرت امام خمینی (ره) در مورد خسارت تأخیر تأدیه به عمل آمد ایشان در جواب فرمودند: "مبلغی که بابت تأخیر تأدیه گرفته می شود ربا و حرام است" (مهرپور، ۱۹۲، ۱۳۷۲) شورای نگهبان نیز در نظریه های متعدد از جمله ۹۴۹۹ مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۵، و ۳۸۴۵ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۲ اشاره کرد. در نظریه ی شماره ی ۳۸۴۵ چنین آمده است: "مطالبه ی مازاد بر بدهی بدهکار به عنوان خسارت تأخیر تأدیه، چنانچه حضرت امام مدّ ظلّه نیز صریحاً به این عبارت: «آنچه به حساب دیرکرد تأدیه ی بدهی گرفته می شود، ربا و حرام است»، اعلام نموده اند، جایز نیست و احکام صادره بر این مبنا شرعی نمی باشد؛ بنابراین مواد ۷۱۹ تا ۷۲۳ قانون آیین دادرسی حقوقی و سایر موادی که به طور متفرق احتمالاً در قوانین در این رابطه موجود می باشد، خلاف شرع انور است و قابل اجرا نیست." در همین راستا فقهای شورای نگهبان در نظریه ی شماره ی ۳۳۷۸ مورخ ۱۴/۱۰/۱۳۶۷ چنین آوردند: "آن قسمت از ماده ی ۳۴ قانون ثبت و تبصره ی ۴ و ۵ و آن و ماده ی ۳۶ و ۳۷ آیین نامه ی اجرای ثبت، که اخذ مازاد

بر بدهی بدهکار را به عنوان خسارت تأخیر تأدیه مجاز شمرده است، خلاف موازین شرع و باطل اعلام می‌شود."

حذف خسارت تأخیر تأدیه باعث بروز مشکلاتی در سیستم بانکی کشور به وجود آورد چرا که عده ای که وام های کلانی از بانک ها گرفته بودند رغبتی به برگرداندن آن در سر وقت نداشتند به همین جهت بانک مرکزی با احساس خطر مواجه شد و به فکر رایزنی با شورای نگهبان افتاد؛ در همین راستا شورای نگهبان خسارت تأخیر تأدیه را در قالب شرط ضمن عقد پذیرفت.

موضوع دریافت خسارت تأخیر تأدیه در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نیز مورد اشاره قرار گرفت؛ در ماده ۵۲۲ چنین می‌خوانیم: "در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند."

نظریات مربوط به امکان مطالبه ی خسارت تأخیر تأدیه از دین ناشی از مسئولیت مدنی

در این قسمت به نظرات مطروحه در باب تایید یا عدم تایید قابل مطالبه بودن خسارت تأخیر تأدیه از دیونی که ناشی از مسئولیت مدنی می‌باشند می‌پردازیم. به عبارت دیگر می‌خواهیم پی به این موضوع ببریم که دیونی که از مسئولیت مدنی ناشی می‌شوند نیز مشمول ماده ی ۵۲۲ ق.آ.د.م هستند و در نتیجه خسارت تأخیر تأدیه شامل این دیون می‌شود یا خیر. در این میان با دو سوال اساسی که موضوع اصلی این رساله است مواجه هستیم و در صدد آنیم که پاسخ هایی اقناع کننده به این عناوین بدهیم. سوالات عبارتند از:

۱. وضعیت خسارت تأخیر تأدیه دین ناشی از مسئولیت مدنی چگونه است؟

۲. با فرض پذیرش خسارت تأخیر تأدیه در دین ناشی از مسئولیت مدنی، مبدا محاسبه این

خسارت از چه زمانی است؟

اگر بخواهیم در قالب مثال موضوع را تبیین سازیم اینطور می‌شود: اگر الف به ب در سال

۱۳۹۰ ضرر و زیانی برساند و در سال ۱۳۹۶ الف زیان وارد شده به ب را جبران نماید آیا ب حق دارد خسارت تأخیر تأدیة یا زیان دیرکرد را مطالبه کند؛ و در فرض مثبت بودن جواب مبدا محاسبه ی این خسارت از چه زمانی است؟ زمان ورود خسارت، ارزیابی خسارت توسط کارشناس، قطعیت برآورد خسارت، حکم به خسارت و یا قطعی شدن حکم به خسارت.

دیدگاه نخست) امکان مطالبه ی خسارت تأخیر تأدیة از دین ناشی از مسئولیت مدنی

در طرفداری از امکان مطالبه ی خسارت تأخیر تأدیة از دین ناشی از مسئولیت مدنی، می توان گفت که منطقی برای تمایز میان دیون بر اساس اسباب آن وجود ندارد. دین، دین است و تفاوتی میان دین ناشی از اسباب قراردادی یا خارج از قرارداد نیست؛ چراکه هر دو از کاهش ارزش پول آسیب می بینند. بنابراین، همان گونه که می باید دیون قراردادی بهره مند از خسارت تأخیر تأدیة باشند، دیون خارج از قرارداد نیز چنین هستند. برای تقویت این استدلال می توان به اطلاق واژه دین در ماده ی ۵۲۲ نیز استناد کرد. (شمس، ۱۳۸۴، ۲۰۷/۳) مضافاً بر این، طلبکاران حوزه ی مسئولیت مدنی اگر نگوئیم بیشتر، دست کم به اندازه طلبکاران قراردادی شایستگی حمایت دارند، مگر نه اینکه هدف ویژه و بنیادین مسئولیت مدنی، حمایت از زیان دیده است پس چگونه می توان آن ها را از امتیاز مطالبه خسارت تأخیر تأدیة بی بهره ساخت؟

مقایسه قانون آیین دادرسی مدنی کنونی با قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ نیز می تواند به یاری این دیدگاه بیاید؛ توضیح آنکه بر اساس ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از اینکه راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد خسارت تأخیر تأدیة معادل صدی دوازده محکوم به در سال است...». درست است که عبارت «وجه نقد» مطلق است و می تواند دیون ناشی از مسئولیت مدنی را نیز در برگیرد، اما ادامه ماده مقصود قانونگذار را می تواند روشن تر بیان کند، چنان که در دنباله ماده آمده است: «اعم از این که راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد». به این ترتیب، می توان این گونه برداشت کرد که باید وجه نقد از معامله ایجاد شود، حال فرقی نمی کند که این معامله، معامله با حق استرداد یا سایر معاملات

استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد، اما حتماً باید دین ناشی از معامله باشد. با این حال، در قانون جدید چنین قیدی دیده نمی‌شود. در واقع، بر اساس ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده»، می‌توان زیان دیرکرد گرفت؛ پس همین اندازه که بتوان دین را محقق دانست، صرف نظر از منشأ آن، اجرای ماده یاد شده میسر خواهد بود.

دیدگاه دوم) عدم امکان مطالبه‌ی خسارت تاخیر تادیه از دین ناشی از مسئولیت مدنی

درحالی که با وجود لزوم حمایت از زیان دیدگان، محروم کردن آن‌ها از مطالبه خسارت تاخیر تادیه روا نیست، تفسیر ظاهری ماده ۵۲۲ و شرایط ویژه‌ای که برای مطالبه خسارت تاخیر تادیه در آن مقرر شده است، پذیرش مطالبه خسارت تاخیر تادیه از دیون ناشی از مسئولیت مدنی را دشوار می‌کند. در واقع، از یک سو، مبنای پذیرفته شده برای مطالبه‌ی خسارت تاخیر تادیه و از سوی دیگر، شرایط ویژه‌ای که برای «دین» در ماده ۵۲۲ بیان شده، مانع مطالبه‌ی مطالبه خسارت تاخیر تادیه از دیون ناشی از مسئولیت مدنی است. استثنایی بودن تاسیس خسارت تاخیر تادیه را نیز باید به این دلایل افزود. به هر روی، دلایل این دیدگاه را می‌توان این گونه بیان کرد: در مقام بیان نخستین دلیل می‌توان گفت که شرایط ویژه دین در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. محقق نشده است؛ توضیح اینکه ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ ش، خسارت تاخیر تادیه را «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است...»، قابل مطالبه دانسته است. در نخستین جمله ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. می‌خوانیم: «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده...»، به این ترتیب، صرف نظر از اطلاق واژه دین در ماده یاد شده، دینی می‌تواند مشمول ماده ۵۲۲ قرار گیرد که از نوع وجه رایج باشد. اینک پرسش این است که آیا دیون ناشی از مسئولیت مدنی «از نوع وجه رایج» هستند؟ در آغاز امر پاسخ مثبت به این پرسش متبادر می‌شود، حال آنکه به ظاهر این امر نباید دل بست. در واقع، موضوع نخست دین مسئول در دیون ناشی از مسئولیت مدنی، پرداخت مبلغی پول نیست بلکه جبران عینی زیان است به بیان دیگر، تعهد نخستین عامل زیان پرداخت مثل حق از دست رفته است؛ حال اگر پرداخت مثل شدنی نباشد، مکلف به پرداخت قیمت خواهد شد؛ چنان که در ماده ۳۲۹ ق.م. می‌خوانیم: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و

اگر ممکن نباشد، باید از عهده قیمت برآید». به این ترتیب، تعهد عامل زیان را نمی توان از نوع وجه رایج دانست. وانگهی یکی از شروط ماده ۵۲۲ این است که با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون از پرداخت خودداری کند. بنابراین، تا مدیون از ادای دین امتناع نکند، خسارت تأخیر تأدیه قابل مطالبه نیست. مضافاً بر اینکه در دیون ناشی از مسئولیت مدنی هنوز اندازه دین مشخص نیست، پس چگونه می توان از بدهکار انتظار داشت که به محض مطالبه از سوی طلبکار، بدهی اش را پرداخت کند؟ در واقع، تا لحظه صدور حکم قطعی از سوی دادگاه، هنوز اندازه دین مستؤل مشخص نیست. به همین دلیل، عامل زیان حتی اگر بخواهد دین خویش را بپردازد، از آنجا که اندازه آن مشخص نیست، پرداخت آن نیز میسر نخواهد بود. از سوی دیگر، ماده ۵۲۲ تنها درباره دیونی است که دارای سررسید هستند. این ویژگی ممکن است در نگاه نخست از ظاهر ماده یادشده برداشت نشود، اما دقت بیشتر ما را به همین نتیجه می رساند؛ چنان که در بخشی از ماده پیش گفته می خوانیم: «... در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت...» پس می توان این گونه برداشت کرد که اگر دینی فاقد سررسید بود، نمی تواند مشمول این ماده باشد. رویه قضایی نیز به همین سمت و سو در حرکت است؛ چنان که برای نمونه در دادنامه شماره ۱۳۳۷ صادره از شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۰ می خوانیم: «... نظر به اینکه دین موضوع دعوا دینی با تاریخ سررسید معین نبوده تا مقررات ماده ۵۲۲ شامل آن شود...» (زندى، ۱۳۹۱، ۳۰۹/۱۰) بر همین اساس و با توجه به اینکه دیون ناشی از مسئولیت مدنی دارای سررسید معین نیستند، نمی توانند مشمول ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. باشند. همچنین، دین در معنای خاص خود تعهد ناشی از قرارداد قرض است، چنان که در دادنامه شماره ۲۹۳ صادره از شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۳۱ می خوانیم: «به اعتقاد این دادگاه، خسارت تأخیر تأدیه ناظر به دین به معنای اخص آن "قرض" می باشد و شامل سایر ضمانات قهری که سبب ایجاد دین به معنی اعم آن می گردد، نمی شود و بدهکاری تجدیدنظرخواه ناشی از استقراض نبوده است...» (زندى، پیشین، ۳۲۹) همچنین، در دادنامه شماره ۶۴۱ صادره از شعبه ۴۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۹ می خوانیم: «حسب مقررات ماده ۵۲۲ خسارت تأخیر تأدیه ناظر بر دین است و در این پرونده، مطالبه خسارات وارد

بر اتومبیل از نوع دین نبوده و منصرف از آن است» (زندى، پيشين، ۳۶۵). با اين حال، حقيقت اين است كه اين تفسير لفظى نمى تواند چندان مقبول باشد. ماده ۵۲۲ واژه دین را به كار برده و اين واژه همه تعهدات را صرف نظر از ريشه و سبب ايجاد آن دربر مى گيرد. بنا بر اين، ديون ناشى از مسئوليت مدنى نيز دین شمرده شده، از اين لحاظ مشمول ماده ياد شده مى باشد. اينجاست كه بايد به مبنای خسارت تأخير تأديه توجه كرد.

مبنای ماده ۵۲۲ جبران زیان نیست؛ چرا كه اگر چنین بود، خسارت تاخير تاديه در هر صورت بايد تعلق مى گرفت، حتى اگر بدهكار توان پرداخت نداشت؛ چرا كه در جبران زیان، آنچه مهم است جبران ضرر زیان دیده است، صرف نظر از اينكه عامل زیان توان پرداخت زیان را دارد يا خير. برای همین، به اعتقاد برخى نویسندگان مبنای ماده يادشده بیش از آنكه جبران ضرر باشد، مسئول دانستن بدهكاری است كه باوجود توان مالی به تعهد خویش به هنگام عمل نكرده است. (ميرشكاری، ۱۱۷، ۱۳۹۵). حال، پرسش اين است كه آیا چنین مبنایی درباره ديونى كه مدیون هنوز اندازه قطعی دین را نمى داند، قابل اعمال است؟ جدای از اين، وقتى هنوز اندازه دین مشخص نیست، چگونه مى توان تمكّن داشتن يا نداشتن مدیون را احراز كرد؟ همچنين اگر خسارت تاخير تاديه را نسبت به ديون ناشى از مسئوليت مدنى قابل مطالبه بدانيم، در واقع، مطالبه خسارت از خسارت را روا دانسته ايم؛ نکته اى كه به نظر نمى رسد در نظام حقوقى ما مجاز باشد. هرچند در قانون آيين دادرسی مدنى مصوب ۱۳۷۹ نشانه اى از ممنوعيت مطالبه خسارت از خسارت دیده نمى شود، از ماده ۵۲۰ همین قانون مى توان ممنوعيت يادشده را برداشت كرد؛ چنان كه در آن مى خوانيم: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان بايد اين جهت را ثابت نمايد كه زیان وارده بلاواسطه ناشى از عدم انجام تعهد يا تأخير آن و يا عدم تسليم خواسته بوده است. در غير اين صورت، دادگاه دعواى مطالبه خسارت را رد خواهد كرد.» پس خسارت از خسارت، زیان بلاواسطه نیست و اين درحالى است كه بر اساس ماده يادشده، تنها زیان های بلاواسطه قابل مطالبه اند. به اين ترتيب، همچنان در نظام حقوقى ما، خسارت از خسارت قابل مطالبه نیست.

با اين حال حقيقت اين است كه خسارت تاخير تاديه را نمى توان خسارت به معنای واقعى

کلمه دانست. توضیح اینکه به موجب بند ب ماده ۱ قانون پولی و بانکی «هر ربال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۰/۰۵۵/۰۱۰۸۰۵۵) گرم طلای خالص است» اگرچه تغییر این برابری باید با پیشنهاد بانک مرکزی و موافقت وزیر امور اقتصادی و دارایی و تایید هیئت وزیران و تصویب کمیسیون های دارایی مجلس شورای اسلامی انجام گیرد (بند ج همان ماده)، اما تحولات اقتصادی جامعه نیز می تواند سبب برهم خوردن برابری یادشده باشد؛ در نتیجه، از ارزش پول کاسته شده، به ارزش کالا افزوده می شود برای همین، اگر الف یک میلیون تومان به ب بدهکار باشد و مدت پنج سال از سررسید دین بگذرد، ارزش یک میلیون تومان در زمانی که پنج سال از سررسید دین گذشته با ارزش آن در تاریخ سررسید دین برابری نمی کند. بنابراین، بدهکار باید مبلغی را به طلبکار خویش بدهد که معادل یک میلیون تومان در تاریخ سررسید دین باشد؛ حتی اگر این مبلغ در ظاهر بیش از یک میلیون تومان باشد. به این ترتیب، جبران تغییر ارزش اسکناس که معمولاً با کاهش آن همراه است، خسارت شمرده نمی شود، بلکه صرفاً ایفای اصل دین است. (میرشکاری، پیشین، ۱۱۹) با همین دیدگاه، خسارت تأخیر تأدیه از دین ناشی از مسئولیت مدنی نیز باید قابل مطالبه باشد.

استثنایی بودن تاسیس خسارت تأخیر تأدیه را نیز می توان دلیل دیگری برای تایید ناممکن بودن مطالبه دانست. خسارت تأخیر تأدیه احکام خاصی دارد که با قواعد عمومی جبران خسارت تفاوت می کند. بنابراین ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. را باید به مثابه حکمی استثنایی به صورت مضیق تفسیر کرد. این باور به ویژه با توجه به مبنای یاد شده (یعنی مجازات مدنی تلقی کردن این نهاد)، قابل تأیید است. ظاهر قانون آیین دادرسی مدنی نیز در راستای همین باور است؛ چنان که در بخشی از تبصره دو ماده ۵۱۵ این قانون می خوانیم: «... خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی، قابل مطالبه می باشد». در راستای همین روش تفسیر، باید به قدر متیقن اکتفا کرد. در نتیجه، عدم گسترش این ماده به دیون ناشی از مسئولیت مدنی منطقی تر است.

دیدگاه سوم) راه حل میانه ی عدم امکان وعدم امکان مطالبه ی خسارت تأخیر تأدیه از دین ناشی از مسئولیت مدنی

برای اتخاذ راه حلی میانه بین دو دیدگاه مذکور، باید از رویدادی به نام «تسجیل زیان» یاد کرد؛

رویدادی که با آن اندازه ی زیان مشخص و مسجّل می شود. توضیح اینکه در فرایند دادرسی در سه مصداق، اندازه ی زیان تعیین می شود: نخستین مصداق، تعیین اندازه زیان از سوی کارشناس است، پس از آن نیز اندازه ی زیان با حکم دادگاه نخستین و سپس حکم دادگاه تجدیدنظر مشخص می شود. اینک پرسش این است که از کدام مقطع می توان خسارت تاخیر تادیه را قابل مطالبه دانست؟ نخستین احتمالی که می رود این است که تعیین اندازه ی زیان با نظر کارشناس است، اما این احتمال محکوم به رد است چرا که نظر کارشناس قطعیت ندارد و پذیرفتن یا نپذیرفتن آن به صلاحدید دادگاه و تطابق آن با «اوضاع و احوال محقق قضیه» وابسته است چنانکه ماده ی ۲۶۵ ق.آ.دم مقرر داشته است: "در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد." در نتیجه، با نظر کارشناس نمی توان هنوز با قطعیت درباره اندازه ی زیان داورى کرد، پس همچنان اختلاف درباره زیان به قوت خود باقی است. بر همین اساس، زمان اعلام نظر کارشناسی نمی تواند ملاک مناسبی برای آغاز خسارت تاخیر تادیه باشد. صدور حکم دادگاه نخستین نیز نمی تواند ملاک قرار گیرد؛ چرا که با توجه به قطعیت نداشتن رای و احتمال نقض آن در دادگاه تجدیدنظر، اختلاف درباره ی اندازه ی زیان باقی است، اما اگر اندازه ی زیان با حکم قطعی دادگاه اثبات شود، نباید همچنان بر دیدگاه اخیر پای فشرود. در واقع، با حکم دادگاه، دین ناشی از مسئولیت مدنی شرایط ماده ۵۲۲ ق.آ.دم. را خواهد یافت؛ با این توضیح که اگرچه تعهد اصلی عامل زیان، پرداخت مثل حق از دست رفته است، اما دادگاه در حکم خویش ناممکن بودن ارائه مثل حق را احراز کرده و عامل زیان را به پرداخت قیمت آن محکوم می کند. پس، از لحظه صدور حکم قطعی می توان گفت که تعهد عامل زیان از پرداخت مثل، به پرداخت قیمت تبدیل خواهد شد؛ بنابراین، وی به پرداخت وجه رایج مدیون شناخته می شود. افزون بر این، با توجه به لزوم اجرای احکام دادگاه ها، سررسید آن نیز همان تاریخ قطعیت رای خواهد بود. در نتیجه این اوصاف و به ویژه با توجه به مشخص شدن اصل دین، احراز تمکن مدیون و امتناع وی نیز آسان تر خواهد بود. در همین راستا، در نظریه شماره ۷/۹۲/۲۵۳۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه می خوانیم: "به نظر می رسد خسارت

موضوع استعلام، ضرر و زیان ناشی از مسئولیت مدنی یا ضمان قهری می باشد که با این وصف خواهان نمی تواند ابتدا به ساکن مطالبه ی خسارت تأخیر تأدیة ناشی از ضرر و زیان فوق را مطالبه بکند؛ زیرا خسارت مزبور امری جدای از دین موضوع ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است. مطالبه خسارت تأخیر تأدیة موضوع این ماده منوط به این است که دین موضوع دعوا از نوع دین مسلم و وجه رایج دارای سررسید باشد و تحت شرایط مندرج در آن ماده (مطالبه داین، تمکن مدیون و احراز امتناع) قابل طرح است. ولی موضوع استعلام مطالبه خسارت وارد شده به اموال خواهان (ملک یا خودرو یا ...) می باشد و شرایط موجود در ماده یاد شده را ندارد. بنابراین، در فرض سؤال خواهان نمی تواند بدو و در ضمن دادخواست مطالبه اصل خسارت، دعوای خسارت تأخیر تأدیة را مطرح کند. ولی پس از صدور حکم و قطعیت آن (مبنی بر محکومیت خوانده به پرداخت اصل خسارت) و امتناع محکوم علیه از اجرای حکم، مطالبه خسارت تأخیر تأدیة از تاریخ قطعیت حکم وفق مقررات همان ماده فاقد اشکال است" (میرشکاری، پیشین ۱۲۰) با این حال، هنوز تردیدی دیگر وجود دارد و آن عبارت است از اینکه آیا نمی توان گفت که با حکم دادگاه کشف می شود که عامل زیان از لحظه ورود زیان، مدیون به پرداخت مبلغی به زیان دیده بوده است؟ در این تردید، حکم دادگاه که جنبه اعلامی خواهد داشت، موجب می شود این باور را نتوان به طور کلی رد کرد. باری، حکم دادگاه جنبه اعلامی دارد از این نظر که اصل حقانیت زیان دیده برای مطالبه زیان را از لحظه ورود ضرر اعلام می کند، اما تعیین میزان دقیق حق و شیوه آن اموری است که با حکم دادگاه مسجل می شود؛ پس چگونه می توان حکم دادگاه را در این باره اعلامی دانست؟ بنابراین باید نظر مرحوم دکتر کاتوزیان را تکرار کرد که مرقوم فرموده اند: «رای دادگاه از جهت شناخت طلب اعلامی و از نظر ارزیابی و انتخاب شیوه ی جبران تأسیسی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۵۳۳/۱)، به این ترتیب، با حکم دادگاه، میزان بدهی عامل زیان مشخص می شود پس از این تاریخ می توان بدهی را مشمول ماده ۵۲۲ دانست.

وضعیت خسارت تأخیر تأدیة ی دین ناشی از مسئولیت مدنی در آراء قضایی

در نظام حقوقی ایران اهمیت شناخت آرا و رویه ی محاکم، از دیرباز مورد توجه حقوقدانان و

نویسندگان قرار گرفته است، برای جامعه ی حقوقی روشن شده است که تکیه ی منحصر به قوانین نوشته و دکترین حقوقی جهت شناخت وضعیت عینی و حیات جاری حقوق در کشور کافی نیست و لاجرم باید به آراء محاکم رجوع کرد تا از این دریای بی کران استفاده ها کرد لهذا بر آن شدیم بخشی را مختص بررسی آراء محاکم قرار دهیم و به تبع آن به شرح و تحلیل بعضی از آراء پردازیم در این بخش بازتاب خسارت تاخیر تادیه ی دین ناشی از مسئولیت مدنی را در آراء قضایی مورد بحث و کنکاش قرار خواهیم داد و به شرح چند عنوان از آراء و به نقد و تحلیل این عناوین خواهیم پرداخت.

قسمت اول) خسارت تاخیر تادیه نسبت به پرداخت خسارت به علت حادثه ی آتش سوزی

در دادنامه ی صادره از سوی دادرس شعبه ی ۸۹ دادگاه حقوقی تهران به شماره ۹۰۰۱۰۱۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۲ چنین می خوانیم: " در خصوص دادخواست تقدیمی خواهان (م.ت) به طرفیت خوانده شرکت بیمه ی پ به خواسته ی الزام خوانده به پرداخت خسارت بیمه ناشی از آتش سوزی موضوع بیمه نامه شماره ی ۱۳۰/۸/۰۰۰۳۰/۵۱۰۳۰/۱۲۶۰ طبق نظر کارشناسی و نیز مطالبه ی خسارت تاخیر تادیه از تاریخ وقوع حادثه لغایت اجرای حکم... اهم مطالب پرونده حاکی از آن است که خواهان به موجب اجاره نامه ی عادی مورخ ۸۷/۱۱/۱۶ یک زیر زمین جهت انبار به مساحت ۱۱۰ متر واقع در شهر ری رو به روی بیمارستان هفتم تیر از آقای م.الف به مدت یک سال اجاره می نماید و متعاقب اجاره ملک در مورخ ۸۷/۱۲/۷ خواهان به عنوان بیمه گذار نزد شرکت بیمه ی پ. به عنوان بیمه گر (سهامی عام) اجناس موجود در انباری را به موجب بیمه نامه ی شماره ۱۲۰۸۷۰۲۶۵۹۶ در مقابل آتش سوزی، انفجار، صاعقه، ترکیدگی لوله ی آب که پوشش های مورد تعهد شرکت بیمه بوده را بیمه می نماید. پس از بیمه نمودن انبار و اجناس موجود در آن در مورخ ۸۸/۲/۳۰ انبار لوستر (زیر زمین) دچار حریق شده که به موجب گزارش و نظر سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی به شماره ۲۰۸۶۹۸ مورخ علت حریق انبار را ناشی از اتصال سیم برق در انتهای انبار در مجاورت مواد قابل اشتعال که منجر به کند سوزی و سرایت به اطراف گردیده، اعلام نموده، متعاقب آتش سوزی، کارشناسان بیمه ی پ. به تاریخ ۸۸/۹/۸ به محل مورد

بیمه مراجعه و در خصوص اندازه خسارت میان طرفین ایجاد اختلاف شد. دادگاه به لحاظ بررسی موضوع و پس از تشکیل اولین جلسه به لحاظ برآورد خسارت موضوع را به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع نموده که کارشناس محترم جمع خسارات وارده به خواهان را... ریال برآورد نموده، لذا دادگاه حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ... بابت خسارت بیمه ی آتش سوزی به عنوان اصل و نیز پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از زمان وقوع حادثه (آتش سوزی) به مورخ ۸۸/۲/۳۰ لغایت یوم الادا صادر می نماید."

پس از تجدیدنظرخواهی دادباخته شعبه ی ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران چنین تصمیم می گیرد: "در خصوص تجدیدنظر خواهی شرکت بیمه پ. (سهامی عام) نسبت به دادنامه ی شماره ۹۰۰۰۱۰۱۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۲ صادره از شعبه ی ۸۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب آن حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ... تومان بابت خسارت بیمه ی آتش سوزی موضوع بیمه نامه شماره ۱۳۰/۸۷/۰۰۰۳۰/۵۱۰۰۳۰/۱۲۶۰ به عنوان اصل خواسته و نیز پرداخت خسارت تأخیر تأدیه از زمان وقوع حادثه (آتش سوزی) به مورخ ۱۳۸۸/۲/۳۰ لغایت یوم الادا که محاسبه و اجرای آن به عهده دایره اجرا محول گردیده، در حق خواهان صادر گردیده است. نظر به اینکه تقاضای مطروحه با هیچ کدام از بند های مقیده در ماده ی ۳۴۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی منطبق نبوده و دادنامه ی یاد شده با توجه به محتویات پرونده و با رعایت اصول و مقررات و قواعد دادرسی اصدار گردیده و در این مرحله از رسیدگی دلیل جدیدی که مستلزم نقض دادنامه مذکور نسبت به اصل خواسته باشد ارائه نگردیده، لیکن صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه وارد و موجه نیست بدین لحاظ که با توجه به مدلول ماده ۵۲۲ قانون مرقوم استحقاق دریافت خسارت تأخیر تأدیه محقق بودن دین است و با عنایت به اینکه موضوع اثبات دین مستلزم رسیدگی و اثبات بوده و قبل از صدور حکم قطعی مبنی بر اثبات و احراز مدیونیت مطالبه ی خسارت تأخیر تأدیه فاقد محمل قانونی می باشد. بنابراین دادگاه با توجه به مراتب معنونه تجدیدنظرخواهی را نسبت به این قسمت از دادنامه ی تجدیدنظرخواسته موجه تشخیص و با استناد به ماده ی ۳۵۸ قانون سابق الذکر با نقض قسمت موخر دادنامه معترض

عنه حکم به بی حقی نسبت به خسارت تاخیر تادیه نیز صادر و نسبت به سایر قسمت های دادنامه موصوف با رد تجدیدنظرخواهی عیناً تایید می گردد. این رای قطعی است."

نقد رای: در این موضوع شعبه ی ۸۹ دادگاه عمومی حقوقی استان تهران به درستی خسارت تاخیر تادیه را مورد عنایت قرار می دهد لکن دادگاه تجدیدنظر با این استدلال که « با توجه به مدلول ماده ۵۲۲ قانون مرقوم استحقاق دریافت خسارت تاخیر تادیه محقق بودن دین است و با عنایت به اینکه موضوع اثبات دین مستلزم رسیدگی و اثبات بوده و قبل از صدور حکم قطعی مبنی بر اثبات و احراز مدیونیت مطالبه ی خسارت تاخیر تادیه فاقد محمل قانونی می باشد» خسارت تاخیر تادیه را رد می کند. ابهام برای نگارنده از آنجا ایجاد می شود که مگر نه اینکه بابت خسارت ناشی از آتش سوزی شرکت بیمه مکلف و به عبارت دقیق مدیون است در مقابل خواهان و مگر نه اینکه بالاخره یک دین بر ذمه ی شرکت بیمه هست و مگر نه اینکه معروض داشتیم قانونگذار در ماده ی ۵۲۲ واژه ی دین را به صورت عام به کار برده است که شامل همه ی تعهدات پولی، صرف نظر از منشاء آن، می گردد. بنابراین دیون ناشی از اعمال حقوقی (عقود، ایقاعات و قراردادهای)، وقایع حقوقی (اتلاف، تسبیب) و حتی حکم قانون (ماده ی ۱۱۹۵ ق.م) مشمول عنوان مزبور و ماده ی ۵۲۲ گردیده و داین می تواند علاوه بر اصل دین، خسارت مزبور را نیز مطالبه نماید؛ پس چطور می شود دادگاه تجدیدنظر عقیده دارد استحقاق دریافت خسارت تاخیر تادیه محقق بودن دین است مگر دین در اینجا محقق نشده است و مگر آتش سوزی از مصادیق وقایع حقوقی و از موارد مسئولیت مدنی نیست؟ والله اعلم.

قسمت دوم) خسارت تاخیر تادیه ی دیون غیر مسلم

در دادنامه ی شماره ی ۴۱۴ مورخ ۹۱/۸/۱۰ صادره از شعبه ی ۱۵۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران می خوانیم: " در خصوص دعوی خواهان ق.الف به طرفیت خوانده س. با نمایندگی الف.ق به خواسته ی مطالبه ی مبلغ بیست میلیون ریال خسارت ناشی از تخریب چاه در اثر گودبرداری غیر اصولی و الزام خوانده به حفر چاه جدید با احتساب هزینه ی دادرسی و خسارت تاخیر تادیه، بدین شرح که خواهان اظهار نموده است که، خوانده، در اثر گودبرداری غیر اصولی در یک پروژه

در حال انجام باعث خسارت به چاه واقع در ملک اینجانب شده که تامین دلیل نموده و کارشناس ضمن شرح جزییات امر میزان خسارت وارده به چاه اینجانب را بیست میلیون ریال برآورد و حفر چاه جدید را نیز متذکر شده است، اداره ی خواننده به شرح لایحه ی تقدیمی که به شماره ی ۹۱۱۱۲۳۸ مورخ ۱۳۹۱/۸/۳ ثبت لوایح شده است، دفاعیات خود را در دو بخش (ایرادات شکلی و ایرادات ماهوی) بیان نموده اند، در خصوص شکلی اظهار نموده است مطالبه ی خسارت تأخیر تأدیة زمانی مورد مطالبه قرار می گیرد که خواسته وجه نقد باشد و در قسمت دوم (ایرادات ماهوی) اظهار نموده اند به استناد بند ۴ ماده ی ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دعوی متوجه موکل نمی باشد؛ زیرا پیمانکار مسئول گودبرداری و رعایت نکات لازم به جهت گودبرداری می باشد و پیمانکار نیز کلیه ی نکات لازم را برای گودبرداری رعایت نموده است حتماً نظری که کارشناسی داده و ضرری که کارشناس مقرر نموده است مربوط به قدیمی بودن چاه می باشد و ارتباطی به موکل ندارد، و چون ملک خواهان قدیمی است لذا می بایستی خواهان کلیه ی اقدامات لازم را برای حفظ ملک خود و جلوگیری از تخریب چاه را می نمود که قصور نموده است، لذا موکل مسئول ضرر و زیان وارده نمی باشد علیهذا دادگاه از توجه به محتویات پرونده و با عنایت به ملاحظه نظریه کارشناسی در مرحله ی تامین دلیل که مصون از ایراد و اعتراض خواننده و وکیل ایشان قرار گرفته است و به موجب آن کارشناس مذکور صراحتاً اظهار نظر نموده است ضرورت داشته نسبت به مهار دیوار های گود و جلوگیری از رانش و ریزش دیوارها اقدام شود نسبت به وزن آرماتور و تزریق بتن (انکراژ) اقدام شده که با توجه به اصابت آن به چاه فاضلاب ملک خواهان، سبب بروز خسارت شده است و بدین لحاظ دادگاه، رابطه ی سببیت بین ورود خسارت و فعل خواننده محرز و مسلم است و بنا به مراتب دفاعیات خواننده به شرح مرقوم، موثر در مقام نمی باشد؛ زیرا اولاً: خواننده دلیلی که مجری پروژه احدائی پیمانکار بوده ابزار ننموده است و اصولاً نامی از پیمانکار مجری پروژه نبوده است و به طور کلی و موهوم اظهار نموده است که دعوی متوجه پیمانکار است و پیمانکار نیز رعایت نکات لازم را نموده است که بدیهی است و جاهت قانونی ندارد، ثانیاً همانطور که شرح آن رفت کارشناس در

مرحله ی تامین دلیل علت بروز خسارت را فعل خوانده اعلام نموده است و به نظریه ی مذکور مورد ایراد و اعتراض خوانده قرار نگرفته است و نظر به عمومات قاعده ی لاضرر و قاعده ی تسبیب و اینکه خسارت غیر قابل تدارک، متصور نمی باشد، دادگاه دعوی خواهان را ثابت داشته و مستنداً به ماده ی ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی و ماده ی ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم به محکومیت اداره ی خوانده به پرداخت مبلغ بیست میلیون ریال بابت خسارت وارده به خواهان و نیز پرداخت ۴۵۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه ی دادرسی در حق خواهان و در خصوص خواسته دیگر خواهان در خصوص الزام خوانده به حفر چاه جدید نظر به اینکه حفر چاه قابل شرایط و مقررات خاصی است که می بایست حسب مورد خواهان به شهرداری و یا حسب مورد به اداره ی امور آب و اراضی مراجعه و مجوز لازم را اخذ نماید. این قسمت از دعوی خواهان به کیفیت مطروحه قابلیت استماع را نداشته قرار عدم استماع دعوی صادر و اعلام می گردد و در خصوص خواسته دیگر خواهان دایر بر خسارت تاخیر تادیه نظر به اینکه مقررات ماده ی ۵۲۲ قانون مرقوم ناظر به دیونی است که اولاً و بالذات دین باشد و به عبارت دیگر دین ابتدایی باشد در حالی که در ما نحن فیه خسارت وارده به چاه ملک خواهان است و خارج از شمول مقررات ماده ی مرقوم است حکم به بی حقی خواهان در این خصوص صادر می گردد. رای صادره ظرف ۲۰ روز از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر تهران است."

از این رای تجدیدنظرخواهی می شود و شعبه ی ۵۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در در دادنامه ی شماره ی ۹۱۰۹۹۷۰۲۳۸۰۰۱۵۵۴ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ چنین رای صادر می کند: "تجدیدنظرخواهی س. با نمایندگی الف.ق و س.ب به طرفیت آقای ق.الف از دادنامه ی شماره ی ۴۱۴ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۰ شعبه ی ۱۵۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به موجب قسمتی از آن اداره معترض به پرداخت بیست میلیون ریال بابت خسارت وارده از بابت ریزش چاه در اثر گودبرداری غیر اصولی و پرداخت ۴۵۵/۰۰۰ ریال بابت هزینه ی دادرسی در حق تجدیدنظرخوانده محکوم شده از جهت ادعای عدم توجه به دلایل ابرازی و عدم توجه دعوی به

نظر دادگاه وارد نیست زیرا دلیلی بر اینکه پیمانکار مرتکب قصور شده و این که پیمانکار چه کسی بوده و اساساً پیمانکاری بوده یا نبوده ارایه نشده و با توجه به نظریه ی کارشناس تامین دلیل استنادی رای معترض عنه با رعایت مقررات صادر شده و ایرادی به آن وارد نمی باشد. لهذا ضمن رد اعتراض دادنامه ی معترض عنه با استناد به ماده ی ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی در محدوده ی تجدیدنظرخواهی تایید می شود. این رای قطعی است." (مجموعه آراء قضایی، ۲۸۷، ۱۳۹۳)

نقد رای: در این رای شاهد آن هستیم که شعبه ی ۱۵۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران به خوبی ارکان مسئولیت مدنی را تشخیص داده است چنانچه در قسمتی از رای می آورد «رابطه ی سببیت بین ورود خسارت و فعل خواننده محرز و مسلم است» و حکم به مسئول بودن خواننده و جبران خسارت از باب مسئولیت مدنی می دهد لکن در مورد خسارت تأخیر تأدیة موضوع گیری سخت تری دارد و عقیده دارد «خسارت تأخیر تأدیة ناظر به دیونی است که اولاً و بالذات دین به پرداخت وجه باشد و در موردی که راجع به پرداخت خسارت وارده است و تعیین میزان آن بستگی به رسیدگی قضایی دارد، پذیرفته نیست».

این اعتقاد از آنجا ناشی می شود که برخی اعتقاد دارند دیون ناشی از مسئولیت مدنی «از نوع وجه رایج» نیستند اینان می گویند در واقع، موضوع نخست دین مسئول در دیون ناشی از مسئولیت مدنی، پرداخت مبلغی پول نیست بلکه جبران عینی زیان است به بیان دیگر، تعهد نخستین عامل زیان پرداخت مثل حق از دست رفته است؛ حال اگر پرداخت مثل شدنی نباشد، مکلف به پرداخت قیمت خواهد شد؛ با این حال، حقیقت این است که این تفسیر یک تفسیر لفظی است و نمی توان به آن بسنده کرد؛ توضیح اینکه ماده ۵۲۲ واژه دین را عام به کار برده و این واژه همه تعهدات را صرف نظر از ریشه و سبب ایجاد آن دربر می گیرد. بنابراین، دیون ناشی از مسئولیت مدنی نیز دین شمرده شده، از این لحاظ مشمول ماده یاد شده می باشد مضافاً بر اینکه مبنای ماده ۵۲۲ جبران زیان نیست؛ چرا که اگر چنین بود، خسارت تأخیر تأدیة در هر صورت باید تعلق می گرفت، حتی اگر بدهکار توان پرداخت نداشت؛ چراکه در جبران زیان، آنچه مهم است

جبران ضرر زیان دیده است، صرف نظر از اینکه عامل زیان توان پرداخت زیان را دارد یا خیر. دادگاه تجدیدنظر نیز همین رای تایید کرده است ولی بهتر بود به موضوع خسارت تاخیر تادیه را مورد عنایت قرار می داد؛ به هر روی بهتر بود قاضی محترم دیون ناشی از مسئولیت مدنی را نیز جزء دیونی تلقی می کرد که خسارت تاخیر تادیه به آن تعلق می گرفت.

قسمت سوم) خسارت تاخیر تادیه نسبت به رد مال کیفری

در دادنامه ی شماره ی ۰۰۷۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸ صادره از شعبه ی ۲۰۷ دادگاه عمومی حقوقی می خوانیم: "در خصوص دعوی آقای م.ت به طرفیت آقای ن.غ به خواسته ی مطالبه ی خسارت تاخیر تادیه مبلغ ۶۱۱/۱۰۰/۰۰۰ ریال به موجب دادنامه ی صادره از شعبه ی ۴۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران از تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۴ تا زمان اجرای حکم فعلاً مقوم بر ۵/۱۰۰/۰۰۰ تومان و هزینه ی دادرسی به شرح دادخواست تقدیمی بدین توضیح که خواهان به موجب مبایعه نامه پیش فروش به شماره ی ۸۲/۱۲۶۷ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ اقدام به خرید یک واحد آپارتمان از خواننده می نماید و به موجب دادنامه ی ۸۹۶ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۵ صادره از شعبه ی ۴۶ دادگاه تجدیدنظر، خواننده محکوم به رد مال در حق خواهان می گردد و خواننده اظهار داشته از جهت شکایت خواهان که محکوم به رد مال گردید در زندان به سر می برد بنا به مراتب مذکور، دادگاه دعوی خواهان را محمول بر صحت تشخیص داده، مستنداً به مواد ۱۰ - ۲۲۰ - ۳۰۳ - ۱۲۵۷ قانون مدنی و مواد ۵۱۵ - ۵۲۰ - ۵۲۲ از قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت خسارت مبایعه نامه ی شماره ی ۸۲/۱۲۶۷ از تاریخ ۱۳۸۲/۴/۲۸ لغایت زمان اجرای حکم و مبلغ ۱/۰۲۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه ی دادرسی اعلام می گردد. حکم صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشد."

پس از تجدیدنظرخواهی، شعبه ی ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه ی شماره ی ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۸۰۳۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ چنین رای صادر می کند: "دادنامه ی تجدیدنظرخواسته به شماره ی ۰۰۷۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸ صادره از شعبه ی ۲۰۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران که به صدور حکم بر محکومیت خواننده به پرداخت خسارت مبایعه نامه ی شماره ی ۸۲/۱۲۶۷ از

تاریخ ۱۳۸۲/۴/۲۸ لغایت زمان اجرای حکم (خسارت تأخیر تأدیة) و هزینه ی دادرسی اشعار دارد متضمن جهت موجه در نقض است و اعتراض به شرح اوراق و محتویات پرونده و لایحه ی تجدیدنظرخواهی وارد می باشد زیرا رد مال، مجازات است و خسارت تأخیر تأدیة موضوع ماده ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی به آن تعلق نمی گیرد بنابراین دادگاه، تجدیدنظرخواهی را وارد تشخیص، به استناد صدر ماده ی ۳۵۸ قانون یاد شده رای دادگاه بدوی را نقض و حکم بر بطلان دعوی صادر می نماید. رای دادگاه قطعی است. (مجموعه آراء قضایی، ۲۸۷، ۱۳۹۳)

نقد رای: در این موضوع دادگاه نخستین، خواهان را مستحق دریافت خسارت تأخیر تأدیة می داند لکن دادگاه تجدیدنظر این عقیده را رد و در استدلال عدم پذیرش خسارت تأخیر تأدیة می نویسد: «رد مال، مجازات است و خسارت تأخیر تأدیة ی موضوع ماده ی ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی به آن تعلق نمی گیرد» به دیگر سخن دادگاه تجدیدنظر عقیده دارد محکومیت به عودت ثمن پرداختی بابت بیع که به عنوان رد مال توسط دادگاه کیفری صادر شده مشمول مقررات ناظر بر خسارت تأخیر تأدیة ی موضوع ماده ی ۵۲۲ ق.آ.د.م نمی شود؛ اما به گمان نگارنده این استدلال متزلزل است چرا که درست است که در نگاه اول ماهیت رد مال، مجازات است اما نباید فراموش کرد که به هر حال همین رد مال نیز نوعی دین است که بر ذمه ی خواننده است و در مطالب پیشین نیز معروض داشتیم که دین است چه از عقود ناشی شود چه از ضمانات قهری و مشمول ماده ی ۵۲۲ ق.آ.د.م می شود؛ مضافاً بر اینکه بر سر قابل مطالبه بودن دیون ناشی از مسئولیت مدنی اختلاف بود و در این نوشتار تبیین و تحلیل کردیم که این دیون را نیز در بر می گیرد لکن در مورد دیون ناشی از قراردادهای که اختلاف نبود و جملگی بر پذیرش قابل مطالبه بودن دیون ناشی از قراردادهای متفق القول بودند به عبارت آخری ما که دیون ناشی از مسئولیت مدنی را مشمول این ماده می دانیم پس به طریق اولی باید دیون ناشی از قراردادهای را مشمول این ماده بدانیم چه اینکه بین متداعیین مبیعه نامه بوده است و از این قرارداد یک سری تعهدات و دیون ناشی می شود علیهذا با توجه به مطالب پیش گفته

دادرس محترم باید به استحقاق خواهان نسبت به خسارت تاخیر تادیه حکم می‌داد. البته شایان ذکر است که هدف قانونگذار در تقنین خسارت تاخیر تادیه، عودت وجه دین به علاوه افت ارزش ریالی است و پرداخت خسارت به معنای واقعی نیست. در رد مال کیفری، دادگاه رای می‌دهد به رد عین یا قیمت و رقم تعیین نمی‌کند. در مرحله اجرای یعنی زمانی که قرار است محکوم علیه اقدام به رد مال نماید اگر رد عین است که مال عیناً عودت شده و قرار نیست رقمی بیشتر پرداخت شود و اگر قیمت آن است قیمت روز را می‌دهند و دیگر خسارت تاخیر تادیه به آن تعلق نمی‌گیرد در واقع وقتی قیمت روز را محاسبه می‌نمایند افت ارزش پول هم در آن آمده است؛ حال اگر دادگاهی به جای قیمت روز آن مال، قیمت زمان ارتکاب جرم را مورد رای قرار دهد، ضمن اینکه این رای واجد ایراد است می‌توان بحث خسارت تاخیر تادیه را مطرح کرد؛ به هر روی والله اعلم.

نتیجه

موضوع این مقاله بحث و بررسی پیرامون خسارت تاخیر تادیه ی دین ناشی از مسئولیت مدنی بود و در صدد آن بودیم ببینیم که آیا از دیون ناشی از مسئولیت مدنی می‌توان خسارت تاخیر تادیه گرفت یا خیر؛ در طرفداری از امکان مطالبه ی خسارت تاخیر تادیه، می‌توان گفت که منطقی برای تمایز میان دیون بر اساس اسباب آن وجود ندارد؛ دین، دین است و میان آنکه ناشی از اسباب قراردادی یا خارج از قرارداد باشد، تفاوتی نیست، زیرا هر دو از کاهش ارزش پول آسیب می‌بینند در برابر، می‌توان گفت که یکی از شروط ماده ۵۲۲ این است که با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون از پرداخت خودداری کند. بنابراین، تا مدیون از ادای دین امتناع نکند، خسارت تاخیر تادیه قابل مطالبه نیست. گروهی دیگر عقیده دارند در دیون ناشی از مسئولیت مدنی که هنوز اندازه ی دین مشخص نیست، چگونه می‌توان از بدهکار انتظار داشت که به محض مطالبه از سوی طلبکار، بدهی اش را پرداخت کند؟ در واقع، تا لحظه صدور حکم قطعی از سوی دادگاه، هنوز اندازه دین مسئول مشخص نیست. برای اتخاذ دیدگاهی میانه بین دو دیدگاه یادشده، باید از رویدادی به نام «تسجیل زیان» یاد کرد؛ رویدادی که با آن اندازه زیان مشخص می‌شود. توضیح

آنکه در فرایند دادرسی، اندازه زیان در سه مصداق تعیین می شود. نخستین مصداق، تعیین اندازه زیان از سوی کارشناس است، پس از آن نیز اندازه زیان با حکم دادگاه نخستین و سپس حکم دادگاه تجدیدنظر مشخص می شود. از میان این احتمال ها، به نظر می رسد گزینه های نخست و دوم نتوانند پاسخ مطلوب باشند، زیرا هیچ یک قطعیت ندارند؛ اعتبار اولی منوط به تشخیص و صلاحدید دادرس است و دومی، قابل اعتراض در مرجع تجدیدنظر. با نفی این دو گزینه، به نظر می رسد بتوان ملاک زمان تعلق زیان دیرکرد را لحظه صدور حکم قطعی دانست؛ چراکه از این لحظه، تعهد عامل زیان از پرداخت مثل، به پرداخت قیمت تبدیل خواهد شد. پس وی به پرداخت وجه رایج مدیون شناخته می شود. افزون بر این، با توجه به لزوم اجرای احکام دادگاه ها، سررسید آن نیز همان تاریخ قطعیت رای خواهد بود. در نتیجه این اوصاف و به ویژه با توجه به مشخص شدن اصل دین، احراز تمکن مدیون و امتناع وی نیز آسان تر خواهد بود. علی ای حال در این پایان نامه ما با دو سوال اساسی و مهم مواجه بودیم که همانا سوالات تحقیق ما را شکل می دادند و عبارت بودند از:

۱. وضعیت خسارت تأخیر تأدیه ی دین ناشی از مسئولیت مدنی چگونه است؟

۲. با فرض پذیرش خسارت تأخیر تأدیه در دین ناشی از مسئولیت مدنی، مبدا محاسبه این

خسارت از چه زمانی است؟

پس از بحث و بررسی پیرامون خسارت تأخیر تأدیه ی دین ناشی از مسئولیت مدنی به نتایج

ذیل دست یافتیم:

۱. با توجه به اصل جبران کامل خسارات زیاندریده در مسئولیت مدنی، خسارت تأخیر تأدیه

دین ناشی از مسئولیت مدنی قابل مطالبه است.

۲. مبدا محاسبه خسارت تأخیر تأدیه دین ناشی از مسئولیت مدنی زمانی است که دین مزبور

مسجّل گردیده و عامل زیان ملزم به تأدیه آن به زیاندریده شده است.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، محمد حسین، (۱۳۷۲)، ربا و قرض در اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
۲. بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، فلسفه ی مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ اول.
۳. باریکلو، علیرضا، (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی، نشر میزان، تهران، چاپ ششم.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه ی گنج دانش، تهران، چاپ ششم.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۰)، وسبط در ترمینولوژی حقوق، کتابخانه ی گنج دانش، تهران، چاپ چهارم.
۶. ره پیک، حسن، (۱۳۸۷)، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول.
۷. زندی، محمد رضا، (۱۳۹۱)، رویه ی قضایی دادگاه های بدوی و تجدیدنظر استان تهران(در امور مدنی)جلد ۱۰، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول.
۸. شمس، عبدالله، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، دوره ی پیشرفته، جلد ۳، انتشارات دراک، تهران، چاپ دوم.
۹. شهیدی، مهدی، (۱۳۹۳)، آثار قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، تهران، چاپ ششم.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سیزدهم.
۱۲. متین دفتری، احمد، (۱۳۳۴)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.

۱۳. مجموعه آرای قضایی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران (حقوقی) سال ۱۳۹۱، (۱۳۹۳)، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه ی قضاییه، تهران، چاپ اول.

۱۴. مهرپور، حسین، (۱۳۷۱)، مجموعه نظرات شورای نگهبان، موسسه کیهان، تهران، چاپ اول.

۱۵. میرشکاری، عباس، (۱۳۹۵)، رساله عملی در مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ دوم.

۱۶. وحدتی شبیری، سید حسن، (۱۳۸۲)، مطالعه ی تطبیقی خسارت تأخیر تأدیة در حقوق ایران و فقه امامیه، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ی ۱۲.